

تبیین و بررسی راهکارهای امنیت اجتماعی زنان

از منظر قرآن و روایات

ملکه یعقوبی^۱

سرور حسینی^۲

چکیده

امنیت اجتماعی همان فضایل انسانی است که عمل کردن به آن زمینه‌ساز آرامش فکری، روحی و روانی بوده و باعث تثبیت و تحکیم امنیت اجتماعی همه افراد بشر، به‌خصوص بانوان است. جامعه‌ای که امنیت آن در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و اقتصادی و...) کامل باشد، فسادها و ناهنجاری‌های اخلاقی کاهش خواهد یافت. هدف این مقاله یافتن و ارائه کردن راهکارهای مناسب برای تأمین و تثبیت امنیت اجتماعی زنان است که با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌های تحقیق که مبتنی بر آیات و روایات تدوین شده، نشان می‌دهد که اسلام به‌عنوان بهترین راهنمای بشر راهکارهایی برای تأمین امنیت اجتماعی بیان کرده که در صورت استفاده از آن‌ها، امنیت اجتماعی زنان در هر جامعه‌ای بهبود خواهد یافت. رعایت حجاب و عفت بانوان، اجتناب از پوشش نامناسب پرهیز از خودآرایی در مقابل نامحرم، داشتن ایمان کامل به خداوند از جمله این راهکارها است.

کلیدواژه‌ها: امنیت اجتماعی، جامعه زنان، قرآن، روایات، راهکارهای امنیت اجتماعی

۱. گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان.

۲. گروه تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، بامیان، افغانستان.



مقدمه

امنیت و آرامش از ضروری‌ترین نیازهای افراد در جامعه مخصوصاً زنان است و در صورت تأمین آن افراد جامعه راحت و بدون کدام دغدغه‌ای، زندگی خواهند کرد. در قانون اسلام نیز امنیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که جامعه امروزی به حضور زنان به عنوان نصف اعضای جامعه در موقعیت‌های متفاوت مانند آموزشی، فرهنگی، سیاسی، رزشی، خانوادگی و... نیاز داشته، باید امنیت زنان تأمین شود و برای تأمین امنیت زنان باید راهکارهایی بررسی گردد تا به زنان در جامعه آسیب نرسد و از خطر ناامنی و مزاحمت‌های بیرونی محفوظ بمانند. قرآن و روایات نیز در زمینه امنیت و عوامل آن راهکارهایی را بیان نموده است.

با در نظر داشت حضور زنان در ابعاد متفاوت محیط‌های اجتماعی که با انگیزه‌های نادرست و رفتارهای نامناسب، از مظاهر فساد و از جمله عوامل زمینه‌ساز تباهی دین و اخلاق مردم در جامعه است که موجب پریشانی خاطر و مقدمه افتادن جوانان در گرداب گناه، سست شدن بنیان خانواده و فروپاشی آن خواهد بود. از این رو آرامش اجتماعی نمی‌تواند بدون امنیت فکری و روانی به وجود آید و یا پایدار بماند؛ زیرا از نظر روان‌شناختی، حرکات بیرونی و فیزیکی انسان، مبتنی بر حرکات درونی او است که همان اندیشه و فکر او است. آشفته‌گی فکری و درونی، نمودی جز بی‌نظمی بیرونی و نابسامانی اخلاقی ندارد. به این جهت، حفظ نظام فکری، اخلاقی و فرهنگی افراد و انسجام آن مقدم بر ایجاد نظم اجتماعی آنان است. به این دلیل از منظر متون اسلامی، «امنیت و آرامش» یکی از بزرگ‌ترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که با نعمت تندرستی و سلامتی برابری می‌کند؛ زیرا مورد نیاز تمام مردم است و جامعه بر مدار آن شکل می‌گیرد، ولی با این توصیف، کم‌تر کسی قدر این نعمت بزرگ را می‌داند. پس امنیت اجتماعی راه درونی و پیشگیرانه برای مقابله با ناامنی در جامعه به شمار می‌آید که در این صورت همه افراد بشر، خصوصاً زنان، بیشتر خودشان را مصون احساس می‌کنند. پس لازم است راهکارهای تأمین امنیت زنان بررسی گردد.



مفهوم شناسی

۱. امنیت

واژه امنیت مصدر «امن» از باب ثلاثی مجرد و دارای معانی متعددی است. به معنای آرامش یافتن نفس و از میان ترس است، حالتی است که بشر در آن احساس خاطر می نماید و در بعضی اوقات به اشخاصی اطلاق می شود که بشر به واسطه آن احساس آرامش می کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۹۰) در فرهنگ عمید به معنای در امان بودن، ایمنی، بی ترسی، آرامش و آسودگی است. (عمید، ۱۳۷۴: ۶۲۵) در لسان العرب آمده است: «الامن ضد الخوف» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳: ۱۲) همچنین صاحب مفردات می گوید: «اصل الامن طمأنینه النفس وزوال الخوف؛ اصل امن، آرامش یافتن نفس و از بین رفتن هراس است». (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۹۰) پس با توجه به معانی لغوی یاد شده، برای امنیت، تعریف های زیادی گفته اند که چند نمونه آن ذکر می گردد:

الف. امنیت عبارت است از وضعیتی آرامش بخش که انسان به گونه ای نسبت به جان، مال، ناموس و حیثیت خود اطمینان داشته باشد که هیچ مخربی حیات و هستی او را مورد تهدید قرار ندهد. (تقوی، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

ب. والترلیمپن: یک ملت در شرایطی در امنیت به سر می برد که خطر از بین رفتن ارزش های اساسی و تقاضایشان مبنی بر اجتناب از جنگ وجود نداشته باشد و قدرت حفظ این شرایط را دارا باشد. (میرعرب، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

ج. آرنولد و لفرز: امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش های مزبور مورد حمله قرار بگیرد. (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲)

د. مفهوم امنیت، مرکب از چندین ارزش ملی است که عبارتند از پاسداری از بقای سیاسی و سرزمین و کشور، تضمین بقای ارگانیک آن، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور. (سایخ، ۱۳۷۷:



۲. امنیت اجتماعی

تعاریف گوناگونی از امنیت اجتماعی ارائه شده که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

الف. استفاده از توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی. به‌طور خاص این نوع امنیت درباره قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ مذهب، هویت ملی و رسوم است. (نودنیا، ۱۳۸۸: ۷)

ب. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان فرهنگ هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

ج. امنیت اجتماعی شخص به معنای امنیت جان، مال آبرو و موقعیت اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی است؛ یعنی از جانب افراد دیگر یا گروه‌ها، حکومت و قانون، جان مال آبرو و موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید و خطر قرار نگیرد. (راجی، ۱۳۹۰: ۲۵)

د. تعریف برگزیده: بر اساس تعریفی که از امنیت ارائه شد و با توجه به این نکته که امنیت اجتماعی نیز نوعی از امنیت به معنای مطلق است، لذا تعریف امنیت اجتماعی نیز جدای از تعریف امنیت نیست. بر این اساس تعریف برگزیده امنیت اجتماعی عبارت است از آنچه به‌صورت طبیعی و خدادادی داریم یا به طریق عادلانه به دست آورده‌ایم، با عوامل اجتماعی تهدید نشود و آنچه را نداریم بتوانیم بدون خوف از جانب عوامل اجتماعی به‌صورت عادلانه، به دست آوریم. (همتیان، ۱۳۹۲: ۴۶)

۳. امنیت زنان در اجتماع

امنیت مهم‌ترین شرط زندگی سالم در اجتماع است و یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه است. امید به زندگی پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به قله‌های صنعت و فناوری در پرتو امنیت میسر می‌شود. از سوی دیگر اهمیت مسئله امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها به‌اندازه‌ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید شده و از برقراری روابط اجتماعی پرهیز می‌کنند.



بر اثر تداوم چنین شرایطی سرمایه اجتماعی روبه زوال می‌رود و در درازمدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه انسانی می‌گذارد. زنان به عنوان مهم‌ترین عضوی از جمعیت، جامعه آسیب‌پذیری هستند که امنیت آن‌ها از راه‌های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد. بنابراین پرداختن به مسائل زنان به منزله سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ما است.

۴. راهکارهای امنیت اجتماعی زنان در منابع اسلامی

انسان‌ها موجود اجتماعی بوده و در تمام عرصه‌های زندگی به همدیگر نیاز دارند و در صورتی می‌توانند بدون هراس و خوف، زندگی نمایند که در امنیت باشند. در تأمین امنیت اجتماعی نه تنها سران و حاکمان نقش دارند، بلکه مردم و خانواده نیز باید سهم فعال داشته باشند. در حقیقت مردم جامعه ملزم به ایجاد امنیت و حفظ امنیت خودشان و حقوقشان و... باشند تا آبروی خود و جامعه حفظ گردد. چنانکه پیامبر اکرم^(ع) فرمود: «کسی که به امور جامعه اسلامی اهتمام نوزد، مسلمان نیست». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۹۳) با توجه به اینکه زنان و مردان دارای خاصیت‌های متفاوت بوده و زنان به تأمین امنیت بیشتری نیاز دارند، پس راهکارهایی برای تأمین امنیت زنان، از لحاظ فردی و اجتماعی بیان می‌گردد:

۴-۱. راهکارهای فردی

از آموزه‌های دینی برمی‌آید که اسلام زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع نمی‌کند، قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه: ۱۲) ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط با تو بیعت کنند...، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

این آیه حکایت از آن دارد که حضور مثبت زنان در عرصه‌های سیاسی و مسائل اجتماعی، از جمله قضایایی است که از منظر اسلام مورد قبول بوده و تثبیت شده



است؛ اما با توجه به شخصیت و خصوصیات طبیعی زن، این حضور و فعالیت‌ها دارای شرایطی است که برخی آنان به خود شخص مربوط شده که تحت عنوان عوامل فردی بررسی می‌گردد:

۴-۱-۱. کیفیت حضور زنان در اجتماع

زنان از نظر دین اسلام، به عنوان نصف اعضای جامعه حق حضور دارند و هیچ‌گاه به صورت مطلق منع نشده‌اند؛ اما قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) با در نظر گرفتن خصوصیات فطری زنان و مردان، برای حضور افراد متفاوت در جامعه، حد و مرزهایی را بیان کرده است که زنان بتوانند بدون ترس و هراسی در جامعه حاضر شوند. یکی از مهم‌ترین و برترین راه‌های پیشگیری از جرائم و فساد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی، رعایت حد و حدود در مواجهه با افراد نامحرم و حجاب و پوشش اسلامی است. البته حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی فقط به پوشیدن چادر و داشتن حجاب ظاهری منحصر نیست، بلکه هرگونه خلوت کردن با نامحرم، خروج از رفتارهای متین، رفاقت و اختلاط و شوخی کردن با نامحرم، مراقبت نکردن در لحن و محتوای سخن با نامحرمان و... از جمله مؤلفه‌های هستند که رعایت آن‌ها، حریم و فاصله میان زن و مرد در جامعه را حفظ می‌کند.

پیغمبر اکرم^(ص) در زمان حیات خویش اراده کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لَوْ تَرَكْنَا هَذَا الْبَابَ لِلنِّسَاءِ...؛ خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم». (سجستانی، بی‌تا، ۱: ۱۵۶) هم‌چنین پیغمبر اکرم^(ص) دستور داد که شب‌هنگام که نماز تمام می‌شود، اول زنان بیرون بروند بعد مردها. پیامبر دوست نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد. رسول خدا^(ص) برای اینکه برخورد و اصطکاکی رخ ندهد، دستور می‌داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه راه بروند. (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۵۱۸)

۴-۱-۲. عفاف و حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش است؛ مانعی که بین دو چیز جدایی



می‌افکنند. (جوهری، بی تا: ماده حجب) در نگاه دینی منظور از حجاب، پوشش خاصی است که زن به عنوان یکی از احکام واجب اسلام، هنگام معاشرت با نامحرم، بدن خود را می‌پوشاند. همچنین حجاب دارای دو بعد ایجابی «وجوب پوشش بدن» و سلبی «حرام بودن و خودنمایی به نامحرم» است که اگر این دو بعد در کنار همدیگر رعایت شوند، در آن صورت حجاب اسلامی محقق شده است. واژه عفاف به معنای مشترک منع و امتناع است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳: ۱۲۵) و تفاوت آن با حجاب، در ظاهر و باطن است؛ یعنی حجاب همان منع و بازداری در ظاهر و عفاف منع و بازداری در باطن است. رابطه بین حجاب و عفاف تأثیر و تأثر متقابل است؛ یعنی هرچه پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، باعث تقویت روحی، عفت درونی و باطنی انسان می‌شود، برعکس هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، تأثیر آن در پوشش ظاهری بیشتر بوده و زنان در مقابل نامحرم، از امنیت کامل تری برخوردار خواهند بود. (ر.ک: باقری، ۱۳۸۳: ۶۶) بنابراین حجاب به معنای پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی، دو عاملی هستند که باعث سلامت جامعه است و در صورت عدم رعایت آن زنان احساس امنیت نخواهند کرد.

قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یَدْنِیْنَ عَلَیْھِنَّ مِنْ جَلَابِیْھِمْ ذٰلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ؛ (احزاب: ۵۹) ای پیامبر! به همسران و دختران و زن‌های مؤمنین بگو روسری‌ها و چادرهای خود را برخویش بیفکنند (که گردن، سینه، بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیک‌تر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند.

چون حجاب یک خواسته فطری است، توجیه عقلی و منطقی دارد و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش آگاه است، زیبایی، امنیت، مصونیت، رشد و تعالی زن را در حجاب دانسته است. همچنین رابطه عفاف و حجاب را نیز از نوع رابطه ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که عفاف ریشه حجاب و حجاب میوه عفاف است. افرادی هستند که ادعای عفاف دارند و با تعابیری که «من قلب پاک دارم، خدا با

قلب‌های پاک کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند. چنین انسان‌هایی باید بدانند که درون پاک، بیرون پاک می‌پروراند. هرگز ریشهٔ سالم و قلب پاک موجب بارور شدن میوهٔ ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد. (طیبی، بی‌تا، ش ۹۵: ۷۵) قرآن کریم در این راستا می‌فرماید:

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ (اعراف: ۵۶) و سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این‌گونه، آیات را برای آن‌ها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...؛ (نور: ۳۱) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم‌ان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوسناک) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند جز برای همسرانشان.

مفهوم آیات فوق این نیست که مردان در صورت زنان خیره نشوند تا بعضی از آنان چنین استفاده کنند که نگاه‌های غیر خیره مجاز است، بلکه منظور این است که انسان به هنگام نگاه کردن معمولاً منطقه وسیعی را در نظر بگیرند. هرگاه زن نامحرمی در حوزهٔ دید او قرار گرفت، چشم را چنان فروگیرد که آن زن از منطقه دید او خارج شود؛ یعنی به او نگاه نکند، اما راه و چاه خود را ببیند. اینکه «غض» را به معنای کاهش گفته‌اند، همین است. به این ترتیب چشم‌چرانی همان‌گونه که به مردان حرام شده است، به زنان نیز حرام است. پس مسئله حجاب از ویژگی‌های زنان است و در آیات فوق به سه حکم دستور می‌دهد تا زنان از انواع فساد اجتماعی ایمن گردیده و خود را از نگاه‌های هوس‌آلود حفظ نمایند و در این صورت رستگار خواهند شد.



این سه دستور عبارت است از:

الف. آن‌ها نباید زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقداری که طبیعتاً ظاهر است (لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)؛

ب. خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)؛

ج. آن‌ها نباید زینت‌های خود را آشکار سازند، مگر در مقابل همسران پسران، پدران و... (وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۴۴۰)

همچنین حضرت امیرالمؤمنین^(ع) به فرزندش امام حسن^(ع) چنین توصیه فرمودند:

وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ؛ تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند. همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برایشان مضر و خطرناک است. وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسد چنین کن. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۳-۱-۴. پرهیز از تبرج و خودآرایی

قرآن کریم در راستای سالم‌سازی محیط اجتماعی، به زنان دستور می‌دهد که در هنگام معاشرت و حضور در جامعه، بر حفظ زینت‌ها و زیبایی‌های خود کوشا باشند و می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ؛ (احزاب: ۳۳) و با وقار در خانه‌هایتان قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن‌ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید.

«تبرج» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است. منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیتی است که مقارن با عصر پیامبر اکرم^(ص) بوده است. به‌طوری که در تاریخ آمده است:

در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر

می‌انداختند، به‌طوری‌که گلو و قسمتی از سینه و گردنبند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود. به‌این‌ترتیب قرآن همسران پیامبر را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد. بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر به‌عنوان تأکید بیشتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۲۹۰)

بنابراین یکی از راه‌های حفظ عفت در جامعه اسلامی، پنهان کردن زینت و جذابیت‌های ظاهری از سوی زنان است؛ چراکه آشکار نمودن زینت‌ها و در معرض قرار دادن جذابیت‌های جسمی، بر تشدید التهاب و تشنگی جنسی جوانان می‌افزاید و همین امر برای ایجاد ناامنی و بروز مفسد اجتماعی در جامعه کافی است. اگرچه جمال و آراستگی ظاهری افراد را محبوب و دل‌خواه مردم می‌نماید؛ ولی دل‌باترین جمال از منظر اسلام جمال ایمان است که بانوی نمونه اسلام، حضرت زهرا^(ص) در فرازی از دعاهايش فرمود: «اللَّهُمَّ زَيْنًا بِرِيَّةٍ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مَهْدِيْنَ؛ بار الهای! ما را به زینت و زیور ایمان مزین فرما و از راهنمایان راه یافته قرارمان ده». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳: ۱۷۲)

بنابراین زنان جامعه ما باید برخلاف غربی‌ها که فقط به فکر ظاهر و صورت خود هستند، به باطن و سیرت اهمیت بدهند و در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی‌های معنوی را نیز به دست آورند. همه می‌دانند که برخی از زنان و مردان در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، ظاهری جذاب، ولی باطنی لجن‌آلود و حيله‌گر دارند. از این جهت هراندازه آنان بر ظاهر خود توجه می‌کنند، چندین برابر از انسانیت و معنویت دور می‌شوند؛ زیرا واقعیت این است که برخی از انسان‌ها با توجه افراطی به جسم و لذت‌های ظاهری، از باطن و روح انسانی و لذت‌های معنوی غافل می‌گردند و سرانجام با تقویت شخصیت شهوانی خود، به سمت حیوانیت، عصیان و گریز از همه سنت‌ها و مقدسات سوق داده می‌شوند. امام علی^(ع) درباره زنان و امنیت زنان در جامعه این گونه هشدار داده است: «إِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ هَمَّتْ وَتَلَّاشَ زَنَانٌ بَرَاءَ دَسْتِيَابِي بِي زِينَتِ زَنْدُكِي دُنْيَا وَفَسَادٌ وَتَبَاهِي دَرِ آنْ اسْت». (نهج البلاغه، خ ۱۵۳) قرآن نیز سبک زندگی این افراد را یادآور شده و فرموده است:



يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ (روم: ۷) آن‌ها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند (آنچه حس می‌کنند و از آن برخوردارند، در نزد آن‌ها هدف است و اصالت دارد) و از (زندگانی) آخرت (که نتیجه واقعی زندگی دنیاست) سخت غافلند. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسْوَأَ السُّوَأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ (روم: ۱۰) سپس عاقبت کسانی که کارهای زشت انجام دادند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و آن‌ها را مسخره می‌کردند.

بنابراین توجه بیش از اندازه به زیبایی‌های ظاهری و غفلت از سرمایه‌های معنوی، سرانجام شومی در پی دارد که به آسانی قابل جبران نخواهد بود.

۴-۱-۴. ایمان و تقوا

ایمان و یاد خدا از مهم‌ترین عوامل آرامش روحی و روانی زنان است؛ زیرا اگر پایه اعتقاد به خداوند و علم و حکمت او و احکامی را که برای بشریت تشریع کرده است؛ استوار باشد، همه مسلمانان از دستورات الهی پیروی نموده و بر اساس قانون الهی در جامعه حضور می‌یابند. در این صورت امنیت، تأمین شده است چنانچه خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (رعد: ۲۸) همان کسانی که ایمان آوردند، دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، تنها به یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. خداوند ایمان را عامل ایجادکننده آرامش اجتماعی دانسته و به همه مسلمانان وعده آرامش داده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ (نور: ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پایرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسق‌اند.

امنیت نیز از نظر قرآن از آثار ایمان خالص به خداوند (ج) است و ایمانی سبب



بقای امنیت و پایداری نعمت‌های دیگر است که باید آن را ایجاد و حفظ کرد. چنانکه در قرآن آمده:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ (انعام: ۸۲) آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با هیچ ستم (و شرک) نیالودند، ایمنی تنها از آن آن‌هاست؛ و آن‌ها هدایت یافتگانند. وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ (نحل: ۱۱۲) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند)، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.

همچنان در آیه‌ای دیگر ایمان و عمل صالح، سبب برخورداری امنیت در بهشت می‌گردد:

... مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ؛ (سبا: ۳۷) اموال و فرزندان‌تان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند و آن‌ها در غرفه‌های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود.

امام علی^(ع) نتیجه ایمان پویندگان راه خدا و مؤمنین را احیای عقل و قلب و میراندن شهوات و دستیابی به امنیت و آرامش روح و جسم می‌داند. (نهج البلاغه، خ: ۲۲۶) اسلام به امنیت و آرامش خانوادگی نیز اهمیت فراوان قائل است تا آنجا که حتی عبادت‌های مستحبی زن اگر با حق شوهرش منافات داشته باشد، پذیرفته نیست. در مقابل، هرگونه بدرفتاری شوهر نسبت به همسرش نیز ممنوع شده است «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». (نساء: ۱۹) همچنان پیامبر گرامی اسلام^(ص) نیز فرموده است: «كُلَّمَا ازداد العبدُ ایماناً ازدادَ حُبّاً لِلنِّسَاءِ؛ هرچه ایمان بنده زیاده‌تر می‌شود، محبت او به زنان بیشتر می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳: ۲۲۸)

با توجه به آیات و روایات که بیان شد، زنان باید بدانند که ایمان و تقوای پایدار به خداوند، امنیت اجتماعی و فردی را تضمین می‌کند. چنانکه خداوند در آیه ذکر شده وعده داده است. همچنان تقوای الهی در مقابل بیمار دلان و فسادجویان، مانند سپری



است که می‌توانند با آن لانه‌های هوس‌بازان را ویران کنند. (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۴)

۴-۲. راهکارهای اجتماعی

امنیت اجتماعی در مقابل امنیت فردی، آن است که همهٔ افراد جامعه در اجتماع احساس امنیت کرده و دور از خوف و خطر به زندگی‌شان ادامه دهند؛ چه اینکه دوام و قوام جامعه در وجود امنیت اجتماعی است. لذا دین اسلام بهترین و کامل‌ترین دین آسمانی بوده و برای امنیت پایدار و همه‌جانبهٔ اجتماعی راهکارهایی را بیان نموده است که هیچ‌گونه تردیدی در اصالت آن راه ندارد، پس راهکارهای تأمین امنیت بانوان در اجتماع را نیز، می‌توان از منابع اسلامی بررسی کرد:

۴-۲-۱. تنظیم محیط اجتماعی

یکی از راهکارهای تأمین امنیت زنان در جامعه، تنظیم محیط اجتماعی است؛ زیرا محیط به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم روی رفتار و کردار اشخاص تأثیر می‌گذارد. حفظ و تأمین امنیت در اجتماع، وظیفه حکومت اسلامی بوده و تنظیم محیط اجتماعی نیز یکی از ابعاد نظارت حکومتی است. بنابراین از میان شاخص‌های متفاوت، به سه مورد اشاره می‌گردد:

الف. کاهش زمینه‌های اختلاط جنسی در محیط‌های عمومی؛ مانند مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، ادارات دولتی و خصوصی، شفاخانه‌ها، کارخانه‌ها، وسایل حمل و نقل عمومی، مراکز آموزشی فرهنگی و...

در شرح این شاخصه می‌توان گفت که نظر به نگاه منفی اسلام به اختلاط جنسی (باهم بودن زنان و مردان در یک فضای اجتماعی)، جلوگیری از آن را از مصادیق نهی از منکر دانسته‌اند. درست است که نابود کردن ابزار گناه مصداق نهی از منکر است؛ اما این دیدگاه از جهتی، قابل اشکال است؛ زیرا وجوب امر و نهی تابع وجوب معروف و حرمت منکر است. امر کردن معروف مستحب و نهی از منکر مکروه، نیز مستحب است. در این صورت با توجه به فتوای فقهای معاصر، باهم بودن زنان و مردان نامحرم ذاتاً منع شرعی ندارد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۵: ۴۹۹) در صورتی که این اختلاط به مفسده بینجامد، باید از آن اجتناب شده و مکروه دانسته‌اند.



(موسوی، خمینی، بی تا، ۳: ۲۸۰) و وجوب جلوگیری حکومت از اختلاط جنسی در صورتی است که مفسده آن ثابت شده باشد. چنانچه آیت الله خوئی در ضمن تأیید کراهت اختلاط، احراز ایجاد مفسده، تأسیس مدارس مختلط برای جوانان را حرام دانسته است. (موسوی خوئی، ۱۴۲۳، ۱: ۲۸۰)

ب. جلوگیری از عوامل تحریک کننده یا لذت های جنسی در اماکن عمومی، تبلیغاتی، از قبیل تصاویر، بیلبردها و آوازه های غیر عفیفانه و خارج از چوکات: با توجه به اینکه در ایجاد زمینه های اختلاط جنسی احتمالاً دچار گناه می شوند، یا دست کم عده ای مرتکب گناه می شوند. حکم عقل ثابت می کند اینکه وجوب جلوگیری از گناه، جواز کمک به تحقق گناه با یکدیگر متناقضند؛ زیرا در صورتی که وجوب جلوگیری از گناه ثابت شده باشد، قطعاً هرگونه کمک به تحقق گناه نیز از جمله ایجاد اختلاط جنسی حرام است. بنابراین قرآن نیز چنین دستور می دهد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) و همواره در راه نیکی و پرهیزگاری به همدیگر کمک کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید». پس نه تنها خود شخص از گناه خودداری کند، بلکه از ایجاد زمینه سازی برای آن در صورتی که مفسده انگیز باشد که از مصادیق آن ایجاد فضای اختلاط جنسی است، باید خودداری شود.

ج. بررسی فضاهای متناسب با ارتکاب گناهان جنسی از قبیل اماکن عمومی و تفریحی، رزشی و... که ارتکاب گناه در آنجا احتمال بیشتر دارد. این موارد می تواند از مصادیق سلب حق الناس باشد.

باتوجه به سه شاخصه فوق، اگر توسط حاکمان و مسئولان بررسی نگردد، از یک طرف جامعه به فساد کشیده شده، از طرفی حضور زنان در جامعه دچار آسیب می گردد، در صورت تنظیم و ساماندهی محیط اجتماعی و به کارگیری مراتب امر به معروف و نهی از منکر، می تواند باعث تأمین حضور زنان در جامعه گردد.

۲-۲-۴. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، از جمله فروع دینی به شمار می رود و یکی از اهداف



مهم در زندگی اجتماعی و فردی است و انجام درست آن باعث رشد معنوی و اخلاقی در جامعه می‌گردد. در نظام اسلام برای ایجاد یک محیط سالم و امن از فسادهای اخلاقی، هوا و هوس‌های نفسانی، همه در برابر هم مسئولند، البته با در نظر داشت شرایط و وظیفه دارند تا دیگران را از گمراهی نجات دهند. لذا نمی‌توانند بی‌اعتنا باشند. همان‌طوری که در برابر اعمال خود مسئولند، در برابر اعمال دیگران نیز مسئولیت دارند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲: ۳۸) قرآن نیز در این زمینه فرموده است:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ (حج: ۴۱) مؤمن کسانی هستند که اگر زمینه قدرت فراهم گردد، ارزش‌های دینی را در جامعه ترویج نموده و مانع گسترش بدی‌ها گردند. (یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است).

در آیه دیگر فلاح و رستگاری را نیز در پرتو دعوت‌گران به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند:

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ يَا مُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ (آل عمران: ۱۰۴) باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگارانند. کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ (آل عمران: ۱۱۰) شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر و به خدا ایمان دارید.

علامه طباطبایی آیه ۱۱۰ آل عمران را که در بالا ذکر شد، مربوط به وضع مسلمین در صدر اسلام می‌داند که به خاطر احیای امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا، بهترین امت شمرده شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۴۷۷) همچنین امیرالمؤمنین^(ع) در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه شرط موفقیت در این امر مهم را تقدم اصلاح اعمال و رفتار خویش بر امر و نهی دیگران دانسته است. (ر.ک. نهج البلاغه، خ ۱۰۵) آنچه از آیات قرآن و روایات برمی‌آید امر به معروف و نهی از منکر، باعث فلاح و رستگاری جامعه می‌شود، خوبی‌ها توسعه یافته و از گسترش بدی‌ها



جلوگیری می‌شود. در روایتی از سعده بن صدقه آمده است:

کسی از امام صادق^(ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر سؤال می‌کند: آیا بر همه واجب است؟ امام فرمود: نه گفته شد چرا؟ فرمود: *إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِي الْمُطَاعِ، الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ، لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَىِّ مِنْ أَىِّ يَقُولُ: مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ؛* فقط وظیفه کسی است که توانا و مطاع و آگاه به معروف و منکر باشد، نه بر ناتوانی که راه به جایی ندارد و حق و باطل را درهم می‌آمیزد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۹: ۴۹۵)

با تأکیدی که در آیات و سخنان اهل بیت^(ع) شده است، دانسته می‌شود که همه مسلمانان (مردان و زنان) برای امر به معروف و نهی از منکر موظف هستند. البته با رعایت شرایط لازم که آشنایی با موارد و مصادیق معروف و منکر، احتمال تأثیر در کسانی که معروفات و اوامر الهی را ترک نموده و منکرات را انجام می‌دهند، عدم ضرر و مفسده بر شخص آمر و ناهی، از جمله آن شرایط است. در این مورد باید مرحله‌ای در نظر گرفته شود:

مرحله اول: ابراز تنفر، روتش کردن، پشت کردن؛

مرحله دوم: انکار زبانی نسبت به انجام منکرات یا دعوت زبانی به انجام اوامر معروف؛ انجام این دو مرحله به صورت واجب کفایی است، اگر برخی آن را انجام دادند، از دیگران ساقط می‌شود.

مرحله سوم: اگر دو مرحله قبلی کافی نبود، در حد ضرورت برای منع از منکرات و دعوت به نیکی‌ها، اعمال قدرت نموده و معترض او شوند.

قابل ذکر اینکه مرحله نهایی با دو مرحله آخر، غالباً بدون اجازه مجتهد، مجاز شمرده نمی‌شود؛ یعنی اهتمام شارع به رعایت احکام شرعی به صورت عمومی است و به افراد کم توجه اجازه داده نشده است که زمام عموم را به دست گیرند؛ زیرا تأثیرگذاری آن یا کم است یا اصلاً تأثیر ندارد. (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۲۰-۴۳۲)

پس با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که نتیجه امر به معروف و نهی از منکر و در صورت طی نمودن مراحل فوق، یک جامعه، سالم و عاری از هرگونه بی‌بندوباری



خواهد بود. در این صورت امنیت اجتماعی و فردی زنان در جامعه تأمین می‌شود.

۳-۲-۴. از بین بردن ابزار گناه

گناه به معنای خلاف است. در اسلام هر کاری که برخلاف امر خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. هر چند کوچک باشد، ولی چون نافرمانی خداوند است، بزرگ محسوب می‌شود. لذا آدمی را از خداوند دور می‌سازد. گناه‌کار کسی است که از دستورات خداوند سرپیچی کند؛ یعنی اوامر خداوند را ترک کرده و نواهی آن را انجام دهد. گناه در قرآن روایات، به نام‌های متفاوتی بیان گردیده است که هر کدام پرده از آثار شوم آن برمی‌دارد: «ذنب» ۳۵ بار در قرآن آمده و به معنای دنباله است؛ زیرا هر عمل خلافی، یک نوع پیامد و دنباله به عنوان مجازات اخروی یا دنیوی دارد. «اثم» به معنای سستی و کندی و واماندگی و محروم شدن از پاداش‌ها است؛ زیرا در حقیقت گناه کار یک فرد وامانده است و مبادا خود را زرننگ پندارد. این واژه در قرآن ۴۸ بار آمده است. «معصیت» به معنای سرپیچی و خروج از فرمان خدا و بیانگر آن است که انسان از مرز بندگی خدا بیرون رفته باشد؛ این واژه در قرآن ۳۳ بار آمده است. «سیئه» به معنای کار قبیح و زشت است که موجب اندوه و نکبت می‌گردد. این واژه ۱۶۵ بار در قرآن آمده است. «منکر» در اصل از انکار به معنای ناآشنا است؛ زیرا گناه با فطرت و عقل سالم، هماهنگ و مانوس نیست و عقل و فطرت سالم، آن را زشت و بیگانه می‌شمرد. این کلمه ۱۶ بار در قرآن آمده است و بیشتر در عنوان نهی از منکر، مطرح شده است. «فاحشه» به سخن و کاری که در زشتی آن تردیدی نیست، فاحشه می‌گویند. «لَمَم» (بر وزن قلم)، به معنای نزدیک شدن به گناه و به معنای اشیای اندک است و در قرآن یک بار آمده است. «شر» به معنای هر زشتی است که نوع مردم از آن نفرت دارند. این واژه غالباً در مورد بلاها و گرفتاری‌ها استعمال می‌شود، ولی گاهی نیز در مورد گناه به کار می‌رود، چنانکه در سوره زلزال به معنای گناه به کار رفته است. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۸) و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده، آن را می‌بیند. همچنین فسق، فساد، فجور، خطیئه و... نیز بیان شده است.



برخی از علما گناه را به دو نوع صغیره و کبیره تقسیم کرده‌اند و سرچشمه آن را آیاتی از قرآن یا روایات می‌دانند. «إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا» (نساء: ۳۱) اگر از گناهان کبیره‌ای که از آن نهی شده‌اید اجتناب کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم.

همچنان امام علی^(ع) فرمود:

گناهان سه گونه است؛ اول: گناه بخشودنی و آن گناهی است که خداوند آن را در دنیا کیفر می‌کند و در آخرت کیفر ندارد در این صورت خداوند حکیم و بزرگوarter از آن است که بنده‌اش را دوباره کیفر کند. دوم: گناه نابخشودنی و آن حق الناس است؛ یعنی ظلم بندگان نسبت به همدیگر که بدون رضایت مظلوم بخشیده نمی‌شود. سوم گناهی است که خداوند آن را بر بنده‌اش می‌پوشاند و توبه را نصیب او می‌کند. در نتیجه آن بنده، هم از گناهانش هراسان است و هم امید به آمرزش پروردگارش دارد. ما نیز درباره چنین بنده‌ای هم امیدواریم و هم ترسان هستیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶: ۲۹)

با توجه به اینکه مخاطب آیات مربوطه زنان و مردان است، زنان نیز به‌عنوان مسلمان، می‌توانند با حذف ابزار گناه از زندگی‌شان و حدودمرزهای تعیین‌شده در اسلام، امنیت خودشان را حفظ نمایند.

برخی از گناهانی که امنیت زنان را تهدید نموده، لازم است زنان به خاطر حفظ شخصیتشان، زمینه و ابزار آن را از بین ببرند تا دچار گناه نشوند. از جمله «نگاه به نامحرم» است که خداوند به زنان مؤمن دستور داده است که بگو چشم‌هایشان را از نگاه به نامحرم بپوشانند. (ر.ک. نور: ۳۱) نگاه به نامحرم در آیات حرام دانسته شده و زنان از نگاه‌های شهوت‌آلود و غیرضروری نهی شده است؛ زیرا نوعی مفسده انگیز بوده و التذاذ جنسی را به بار می‌آورد که می‌تواند ابزار گناه باشد.

۴-۲-۴. عدالت

عدالت برگرفته از عدل به معنای گذاشتن که هر چیزی در جای مناسب خودش است و این یعنی پرهیز از افراط و نه تفریط (معین، ۱۳۸۶، ۱: ۱۰۵۳) یعنی هرگونه انحراف و افراط و تجاوز از حدّ و تجاوز به حقوق دیگران برخلاف عدل است. در تفسیر نمونه آن را از جامع‌ترین تعلیمات اسلامی در زمینه‌های اجتماعی، فردی و



اخلاقی دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۱۶۱) عدالت قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌چرخند و آسمان و زمین و همه موجودات با عدالت برپا هستند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ». (احسائی، ۱۴۰۳، ۴: ۱۰۲) بنابراین یک جامعه انسانی زمانی حیات سالم خواهد داشت که بر عدالت و قانون استوار باشد و همه اعضای جامعه (مردان و زنان) می‌توانند در رفاه و آرامش زندگی نمایند و فرد فرد آن جامعه از حقوق مناسب خود برخوردار و بهرمند باشد. متأسفانه امروزه در بسیاری از جوامع، حقوق زنان پایمال می‌شود، زنان حتی در کشورهای اسلامی، آرامش و آسایش ندارند. این خلاف دستورات الهی است؛ زیرا خداوند در آیات متعددی بیان فرموده است:

۱. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ (نحل: ۹۰) خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.
 ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ (مائده: ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشانند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ؛ (نساء: ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام به عدالت کنید و برای خدا گواهی دهید.

۴. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (حدید: ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. در این آیه عدالت، یکی از اهداف اصلی بعثت انبیاء دانسته شده است، چنانچه بی‌عدالتی از عوامل آسیب‌پذیری امنیت اجتماعی بوده و. عدالت از اساسی‌ترین عوامل تأمین‌کننده امنیت زنان و مردان است، همه اعضای جامعه بدون خوف و هراس، در آسایش کامل زندگی خواهند کرد. کامل‌ترین مصداق آن را خداوند در سوره مبارکه آل عمران، فرموده است:



۵. فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ (آل عمران: ۹۵) خداوند درخواست آن‌ها (صاحبان خرد که درخواست‌های آن‌ها در آیات سابق گذشت) را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را که زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد. این آیه اشاره به عدم تبعیض میان مردان و زنان اشاره دارد، بر همان عدالت دلالت دارد و نشان می‌دهد که خداوند حق هیچ‌کسی را نادیده نمی‌گیرد. در جامعه اسلامی نیز اگر عدالت برقرار باشد، امنیت نیست برقرار است.

نتیجه‌گیری

امنیت از نظر لغت به معنای آرامش یافتن نفس، ضد خوف و نگرانی است و عبارت است از وضعیتی که انسان نسبت به جان، مال و ناموس و حیثیت خود اطمینان داشته باشد که مورد تهدید نیست. با این نگاه، امنیت از ضرورت‌های جامعه به شمار می‌رود و در صورت فقدان آن، اعضای جامعه مخصوصاً زنان دچار آسیب شده و نمی‌توانند به صورت کارآمد در جامعه حضور فعال داشته باشند. مهم‌ترین راهکارهای فردی امنیت اجتماعی زنان، کیفیت حضور زنان در جامعه و رعایت حد و مرزهایی است که باید زنان برای حضور اجتماعی در نظر بگیرند. همچنین عفاف و حجاب (پوشش مناسب و پاک‌دامنی)، پرهیز از خودآرایی و آشکار شدن نامناسب در جامعه نیز می‌تواند برای امنیت زنان مؤثر باشد؛ زیرا حجاب، عفت، علم، حیا، ادب، اخلاق و... از سجایای انسانی است. بنابراین زنان جامعه اسلامی باید به باطن و سیرت اهمیت بدهند و در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی‌های معنوی را نیز به دست آورند. وظیفه زن و مرد مسلمان ایمان راسخ و قوی، تقوا و پرهیزگاری است و تنها راهی است که انسان را به کمال می‌رساند. برای تأمین امنیت زنان علاوه بر خود شخص، اعضای جامعه نیز نقش دارند که آن را راهکارهای اجتماعی نامیده‌اند. برای کاهش اختلالات و فسادهای اجتماعی و تأمین امنیت زنان در اجتماع، ایجاد نظم در محیط اجتماعی است؛ زیرا محیط به صورت مستقیم یا غیرمستقیم روی رفتار و

کردار شخص تأثیر می‌گذارد.

همچنین مهم‌ترین اهداف یک جامعه سالم رعایت عدالت اجتماعی و اجرای امر به معروف و منع از زشتی‌ها و از بین بردن ابزار و زمینه‌های گناه است. در صورتی که به این راهکارها توجه جدی شود، نه تنها امنیت زنان تأمین می‌شود، بلکه جامعه نیز از انواع ناهنجاری‌ها و انحرافات جسمی، روحی و روانی مصون خواهند بود.



فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *عَوَالِی اللّٰثَالِی الْعَزِیزِیة فِی الْاَحَادِیث الدِّینیة*، قم: نشر سیدالشهدا(ع).

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

۳. اسماعیل بن حماد جوهری، (۱۳۶۹)، *الصحاح تاج اللغة*، تهران: نشر امیری.

۴. اکبری، محمد رضا، (۱۳۷۷)، *تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر*، اصفهان: نشر پیام عترت.

۵. باری بوزان، مردم، (۱۳۷۸)، *دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۶. تقوی، سید رضا، (۱۳۸۴)، *تأملات فرهنگی*، تهران: تقوی.

۷. خسرو باقری، (۱۳۸۳)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.

۸. راجی، عبدالقدوس، (۱۳۹۰)، *نظام سیاسی اسلام*، کابل: انتشارات رسالت.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳)، *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، (تحقیق: صفوان عدنان داوودی)، قم: ذوی القربی.

۱۰. سایغ، یزید، (۱۳۷۷)، *کشورهای در حال توسعه*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، (بی تا)، *سنن بن ابی داوود*، بی جا: بی نا.

۱۲. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۴۰۹)، *العروة الوثقی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر نشر اسلامی

۱۴. عمید، حسن، (۱۳۷۴)، *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۷. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادنا.
۱۸. مکارم شیرازی ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چ ۳۲، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، استفتائات، قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۳)، صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، قم: نشر فدک.
۲۲. میر عرب، مهرداد نیم، (۱۳۸۵)، نگاهی به مفهوم امنیت، مجله علوم سیاسی، بهار ش ۹.
۲۳. ناهید طیبی، حجاب وعفاف مروری دوباره، مجله پیام زن، شماره .
۲۴. نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی روایتی جامع، گزارش پژوهشی.
۲۵. همتیان، علی اصغر، (۱۳۹۲)، امنیت اجتماعی درآموزه های وحیانی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

